

## بیانیه ی اساسی مجمع فعالین سیاسی افغانستان

جامعه ی افغان آبستن یک تحول بزرگ بنیادینست. از لحاظ اقتصادی فقر و بیکاری بیداد میکند، قطب بندیهای زبانی، مذهبی و سمتی به مثابه ابزار برنده سیاسی از سوی دشمنان داخلی و خارجی دامن زده میشوند، ملت از لحاظ نظامی زیرمیله های توپ و تفنگ نیروهای خارجی از یکسو و حملات مخالفان مسلح در شرایط فقدان امنیت، مصونیت و هراس بسر میبرد. انکشافات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی موجود نه تنها حاکمیت حکمرانان مسلح را در شکل جدید آن تقویت مینماید بلکه از راه حاکمیت پول، به انقسام جامعه به اردوی فقرا و حکمرانان پولدار نیز مینجامد.

در چنین شرایط حکومت بصورت کامل و تمام عیار در خدمت فساد، مافیای مواد مخدر و دشمنان مردم افغانستان قرار گرفته است و در تضاد با منافع ملی و در تطابق با منافع فردی و گروهی عمل مینماید. لازم است جامعه جهانی به تعهد و ماموریت شان برای ایجاد یک حکومت ملی پاسخگو و سرکوب تروریزم متوجه ساخته شود.

حکومت، متحدان حکومت و مخالفان مسلح هر سه دست بدست هم داده و شرایط دشواری را برای مردم بوجود آورده اند که تنها برای آنان و همکاران آنان میتواند سودمند باشد. "تفرقه افکن و حکومت کن" به اصل اساسی حاکمیت سیاسی مبدل شده است.

تلاشهای انجام شده برای دموکراتیک ساختن جامعه نشان دادند که جامعه افغانی بوسیله ی اهریمنها گروگان گرفته شده است، و تنها بوسیله ملت افغان و ساختار سیاسی سراسری مستقل ملی میتواند نجات داده شود. در حالیکه بیگمان افغانستان بیشترین تعداد احزاب سیاسی را دارا است، یکی از غیر فعالترین جامعه ی سیاسی نیز میباشد. این ساختارها بیکاره، فاقد ابتکار سیاسی، گیرمانده در لانه فکری و ساختاری، جنگزده و در گیر بحران اعتماد اند. بر بنیاد همین علل و به دلیل اینکه توانایی دگراندیشی و تغییر در خویشتن را ندارند از سراسری و ملی شدن عاجز ماده اند.

تشکیل یک ساختار سیاسی سراسری با عبرتگری از درسهای تاریخی تاریخ مبارزات سیاسی مستلزم گذار فکریست که لازمه آن در جایگاه نخست ترک تعصب فکری و دادن اولویت به منافع ملی میباشد.

شرایط دشواری بر زندگی مردم حاکم است. در این شرایط تهدید به مصونیت و امنیت فردی و اجتماعی با گذشت هر روز بیشتر میگردد، نارضایتی مردم از بی عدالتی و فقر مادی و معنوی اوج میگیرد، ارزشهای ملی و دموکراتیک در نتیجه ی تعصب فکری و گروه محوری در معرض خطرات بزرگ قرار گرفته اند، شرایطی که در آن کشور به میدان رقابت منافع کشورهای همسایه و غیر همسایه مبدل گردیده، تعدادی از مغزهای سیاسی به مستعمره های ذهنی این و آن کشور مبدل شده اند و قدرت زر و زور نهادینه میشود. این شرایط همه آنانی را که درد انسانهای این سرزمین را احساس مینمایند فرا میخواند تا در روشنایی درسهای تاریخ مبارزات سیاسی در صف واحد سیاسی به دور ارزشها و تفکرات ملی متحد گردند. تداوم تشنیت فکری، تعصب و گروه محوری، به معنای تداوم بدبختی، فقر و تبعیض و به سود دشمنان مردم ما است.

مجمع فعالین سیاسی  
با درک این حقیقت که:

- ترقی ، رفاه ملی و تامین حاکمیت ملی از راه تحقق دموکراسی بدون یک ساختار سیاسی سراسری و ملی بر پایه های وسیع و باثبات ارزشها و مفکوره های ملی ناممکن است و تنها چنین ساختار سیاسی میتواند از راه تبدیل مبارزه سیاسی به کار مردمی و تبدیل کار مردمی به مبارزه سیاسی و برخورد فارغ از هرگونه تبعیض و یکه تازی حاکمیت مردم را به آنها برگرداند،

- برای طرح سنگپایه ی های یک ساختار سراسری ملی

- فراهم سازی زمینه های تفاهم و کار عملی شخصیتها و ساختارهای سیاسی به هدف تشکیل یک ساختار سیاسی سراسری

فراخوان آتی را عنوانی شخصیتهای سیاسی مستقل و سازمانها صادر مینماید.

### وطنپرستان میهن متحد شوید!

بیا بید به دور مفکوره ها و ارزشهای مشترک ملی و دموکراتیک متحد گردیم!  
مردم و میهن همه ی نیروهای ملی و دموکرات را به وحدت در یک صف واحد فرا میخواند.

سالهای زندگی و مبارزه به صورت پراکنده برای هر شخصیت مبارز سیاسی و هر سازمان سیاسی این ضرورت را نشان داده است که موفقیت در مبارزه سیاسی بدون اعتماد سیاسی مردمی و اتحاد نیروهای وفادار به داعیه ستمدیدگان ممکن نیست. در این شکی نیست که مساعی سازمانها و مراجع مختلف برای اتحاد تاکنون نه توانسته به دلایل مشهود و معلوم به یک اتحاد سراسری نیروها منتهی گردد. فقدان انعطاف پذیری و مدارای لازم به نفع داعیه زحمتکشان که در واقعیت امر داعیه مشترک همه ی نیروهای ملی و دموکرات میباشد در سر راه اتحاد و عمل مشترک آنها همچنان قرار دارد.

سوال اساسی که امروز در برابر همه ی روشنفکران قرار دارد این است که آیا شخصیتها ی مستقل ملی سیاسی و سازمانهای سیاسی حاضراند به خاطر داعیه ی آزادی و رفاه زحمتکشان، منافع ملی را بر منافع فردی /گروپی و حزبی ترجیح دهند؟

همه میدانیم که:

- ۱ (وضع امنیتی در کشور روبه خرابی میرود،
  - ۲ نارضایتی مردم از بی عدالتی، نا امنی، عدم مصونیت و فقر اقتصادی اوج گرفته است،
  - ۳ (کشور به بازار رقابت منافع کشورهای همسایه و غیر همسایه مبدل گردیده،
  - ۴) ( برخی از) مغز های متفکر سیاسی به مستعمره های ذهنی این و آن کشور مبدل گردیده ( اوج بیگانه پرستی)
  - ۵) موج جدید سیاسی از دموکراسی غربی پوست آن را و از سرمایداری ذهنیت آن رابه افغانستان وارد نموده،
  - ۶) و قدرت آنانی که مردم از آنان شاکی و ناراض اند نهادینه میشود،
  - ۷) ارزشهای ملی، و دموکراسی در نتیجه ی تعصب فکری و خود محوری، در معرض خطرات بزرگی قرار گرفته اند.
- همه ی مساعی انجام شده تا کنون برای تشکیل یک تشکل سیاسی نیروهای ملی و دموکرات در نتیجه ی تعصب فکری، گروپ محوری و موضعگیری های غیر موجهه و اصولی تنها توانسته به تقویت وابستگی هادر امتداد تعصبات نهادینه شده بیانجامد. جایگاه یک نیروی سیاسی که نه به شیوه معمول بلکه به شیوه ی جدید اندیشه و عمل سیاسی: یعنی با بازنگری و استقلال، مردم و اراده ی مردم ( اکثریت ) را در اولویت قرار دهد خالی است.
- در این شکی وجود ندارد که شیوه اندیشه و عمل دیروزین نه تنها ناکام، بد نام و جنگ زده بلکه نا کاره نیز ثابت گردیده است. شرایط کنونی، گذار اساسی در اندیشه و عمل را از همه ی روشنفکران میطلبد.

مبارزه ی سیاسی باید

- ۱ (از نگاه اندیشه و عمل با صراحت از گذشته قابل تمایز باشد،

۲) مبارزه ی سیاسی به کار مردمی و کار مردمی به مبارزه ی سیاسی مبدل گردد،  
 ۳) ارزشها و مفکوره های ملی و دموکراتیک در محراق توجه قرار داده شوند نه ارزشهای گروپی و حزبی

ماموریت مشترکی که در برابر همه روشنفکران میهن دوست قرار دارد این است تا:

- ۱) فعالین سیاسی ناراضی،
  - ۲) ستمدیده گان: آنانی که باوصف موقف سیاسی-اجتماعی و وابستگی های منطقی، قومی و زبانی، ستمدیده اند، به مردم و کشور خیانت نه ورزیده و از تاریخ آموخته اند،
  - ۳) آنانی که خواهان خدمت صادقانه و استقلال فکری اند،
  - ۴) آنانی که از شیوه ی اندیشه و عمل دیروزین انتقاد مینمایند و حاضر اند به شیوه ی نوین اندیشه و عمل وارد صحنه ی سیاسی جامعه گردند،
  - ۵) آنانی را که میخواهند مبارزه سیاسی را به کار مردمی و کار مردمی را به مبارزه ی سیاسی تبدیل نمایند،
  - ۵) آنانی که اندیشمند اتحاد ملی، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، منافع ملی و خود ارادیت ملی هستند،
  - ۶) آنانی را که از اکثریت ستمدیده در کشور دفاع مینمایند، و
  - ۷) همه ی حلقه ها، محافل و مجامع سیاسی را که در چنین راستا فعالیت مینمایند، به اتحاد در یک تشکل سیاسی سراسری فراخوانیم.
- عقل سلیم، آموزش اجتماعی-تاریخی و وظیفه ی روشنفکری حکم میکند تا:

- به دور مفکوره ها و ارزشهای مشترک ملی متحد گردیم، و
- با عبرت از درسهای تاریخ با شیوه و سبک کهن تفکر، اندیشه و عملکرد هرچه زودتر وداع نماییم (گذار فکری)،
- متکای مبارزه را در میان مردم جستجو نماییم.

از همه ی آنانی که در این راستا میاندیشند، آنانی که با استقلال فکری، مسوولانه و متعهدانه میخواهند به شیوه ی مردمی و جدید چون مغز متفکر عمل نمایند، دعوت بعمل میآید به دور طرح این فراخوان متحد گردند.

تجارب سالهای گذشته نشان داده است که احزاب سیاسی به دلایل مختلف از زمره:

- ۱) (تعصب فکری، حزبی و عظمت طلبی نتوانسته اند به تشکیل یک ساختار سیاسی سراسری موفق گردند،
- ۲) (به دلایل در خود فرورفتگی احزاب سیاسی از یکسو و موضعگیری انتاگونیستی ایلیت سیاسی از سوی دیگر و باز فقدان ابتکار سیاسی در شرایط نایابی امکانات بسیج نیروها، هیچ یک از احزاب سیاسی دموکراتیک نتوانسته بحیث نیروی سیاسی مطرح در حیات سیاسی تبارز نماید. در حالیکه کار سیاسی و اعتماد سیاسی بدون تبارز سیاسی ناممکن میباشد.

جلوگیری از تکرار تاریخ، نجات مردم و کشور به تصمیم و اراده نیروهای ملی و دموکرات بستگی دارد.

بباید این فرصت تاریخی را از دست ندهیم!  
احزاب ، گروه ها، سازمانهای سیاسی و شخصیتهای سیاسی علاقمند میتوانند با آدرس :  
[guzarefekry@gmail.com](mailto:guzarefekry@gmail.com) با مجمع فعالین سیاسی در تماس شوند.  
از توجه شما تشکر

یادداشت: این طرح پیشنهادی برای بحث و ابراز نظر شخصیتهای مستقل سیاسی و نیروهای سیاسی بی  
که در این راستا صادقانه می اندیشند و فعالیت مینمایند باز میباشد.